

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

صباراهی

۰۱ می ۲۰۱۱

سرقت روز کارگر با شعار "استقرار عدالت اجتماعی" فریبی دیگر!

در حاشیه "فراخوان سراسری" ایرانیان" به مناسبت روز جهانی کارگر

روز کارگر، خروشیدن از بیداد نابرابری طبقاتی ست! روز روشن کردن شعله های خشم زیر پای طبقه دزد و غارتگر و تجاوزگر به خاطر ستمگری و ظالمی آن! روز به زیر کشیدن طبقه دورگو، فرنیکار و شارلاتان است! روز بیرون کشیدن دسترنج زحمتکشان از حلقوم سرمایه دار زالو است! روز در هم کوبیدن ماشین استثمار و دستگاه سرکوب دولتی! روز گرفتن حق است! و حق را با خواهش و تمنا نمی گیرند حق را با قهری که به ستمدیدگان تحمیل شده مطالبه می کنند! زیرا که این "خدای عادل" دست ساز طبقه استثمارگر است ترساندن طبقه استثمار شده و محروم! خدائی که "قهار" است و نه "مهربان" و دلسوز! "خدائی" که می گوید ما برخی ها را بر برخی های دیگر برتر قرار دادیم! روز کارگر، روز آرایش صفوف ستمدیدگان علیه ستمکارانی ست که مانند خدایشان ظالمند!

روزیست که کارگران برای اعتراض به ظلم و ستمی که از جانب سرمایه داری و سرمایه داران زالو صفت بر آنان تحمیل می شود به خیابانها می ریزند، و در ظرفهای مبارزاتی که با پیمودن ناهمواری ها و سنگلاخ های مسیر مبارزاتی آنها را ساخته اند مطالبات خود را مطرح می کنند، و همه می دانیم که در ایران کارگران حق داشتن ظرف مبارزاتی ندارند، چرا که خدای "عادل" فرمان رانده که "برخی ها را بر برخی های دیگر برتر قرار داده"، پس اگر کارگر و زحمتکشی خواست در برابر نابرابری حقوقی اعم از سیاسی و اقتصادی بایستد از فرمان "خدای مهربان و عادل زورگویان" سرپیچی نموده و سزایش زدن گردن او و هر کس دیگری که از حقوق او دفاع می کند، می باشد!

تاریخ و مفهوم "عدالت اجتماعی" در اسلام ناب محمدی!

آیا نمی شود حدس زد که در صدر اسلام با "وحی شدن" آیت "ما برخی از شما را بر برخی دیگر از شما برتر قرار دادیم" به محمد، او وضعیت اجتماعی را به وجود آورده است؟ این آیت چه نابرابری علنی و آشکار را دامن نزده است؟ و این زورگوئی و این قهاری چیزی جز برجسته ساختن جایگاه طبقاتی محمد و سایر پیامبران دینی نمی باشد

که هدفشان مصون ماندن ثروتمندان زورگوی بوده که از دسترنج رنجبران روز به روز فربه تر می شدند. آیا نمی شود تصور کرد که چه گردنهایی به خاطر برافراشته شدن شعله های خشم محرومان و ستمدیدگان از تن آنان جدا گردیده؟ این تصور به هیچ وجه سخت نیست! مگر سی و دو سال نیست که ما هر روز شاهد هستیم که معترضان به نابرابری طبقاتی در ایران را می گیرند و به اسم محارب و مُشْرک و منافق شکنجه و تجاوز می کنند و بعد هم میکُشند؟ در اسلام چیزی به مفهوم واقعی عدالت اجتماعی به دلیل ماهیت طبقاتی " خدای عادل" نمی تواند وجود داشته باشد، و این همان موضوعی ست که امپریالیسم را " شیفته خدا و دین" می کند. دستورات الهی که از قبل برای محرومان و استثمارشدگان بریده و دوخته اند که تو باید به آنچه که "خدای عادل" برای تو خواسته راضی باشی، و خشمت را فرو خوری زیرا که بهشت در انتظار توست؟ نه یک کلمه کمتر نه یک کلمه بیشتر!

پس از سی و دو سال که خمینی جلاد و دار و دسته کارگر و زحمتکش کُش آن احکام "الهی" را در ایران حاکم نمودند، پس از سی و دو سال که خمینی در تاریخ معاصر ثابت کرد که دین یک ابزار بسیار مقبول برای طبقه غارتگر است تا به وسیله آن بتواند طبقه محروم را فریب دهد، آنرا استثمار کند و اگر صدایش از ظلم و نابرابری بلند شد آنرا به "حکم الهی" سرکوب کند، امروز شاهدیم که "میرحسین موسوی"، سارق تمام سمیل های مبارزاتی کمونیست های ایران و جهان، همان جنایتکاری که دستانش به خون تمام کمونیست های ضدامپریالیست و سایر مبارزان راه رهایی از سلطه غارتگرانه و جنایتکارانه امپریالیسم آغشته است، شعار "استقرار عدالت اجتماعی" را برای فریب طبقه زحمتکش و محروم ایران بر زبان می راند. استقرار عدالت اجتماعی آنهم در جمهوری اسلامی از نوع دوران طلایی امام جلدش و نه یک کلمه کمتر و بیشتر! چه خوش خدمتی بیشتر از این برای ربودن گوی سبقت از جناح جنایتکار رقیب در ربودن دل "دلسوز" امپریالیسم امریکا!

راستی چرا "میرحسین موسوی" مدام بر طبل "جمهوری اسلامی، آنهم از نوع دوران طلایی امام جلد، نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر را می خواهد؟ و راستی چرا عده ای تصمیم دارند به خاطر جمع کردن "نادانها" ی بیشتری به دور "میرحسین موسوی" از او تصویر یک "ناجی" بسازند؟ و اساسن ناجی در دین ها از جمله در دین اسلام به چه معنایی ست؟ ناجی چه طبقه و دسته و گروهی وقتی که "خدای عادل" شان از قبل برای آنها جواب صورت مسأله را داده: "ما برخی ها را بر برخی های دیگر برتر قرار دادیم".

میرحسین موسوی و هم قطارانش برای این بر اهداف و شعارهای "انقلاب" شان میکوبند: یک: تجارب آن دوران خونین که تا به امروز هم ادامه دارد، دوران خونینی که دست تمام این جانپان از پاسدار گنجی تا محسن سازگارا و میرحسین موسوی و رفسنجانی و خامنه ای... به آن خونها، خون مبارزان ضدامپریالیست، ضد نابرابری های اجتماعی و اقتصادی آغشته است، به این نوکران امپریالیسم ثابت کرده که می توانند در "صحنه" شعارهای مردم فریب دهند، مثل شعار "مرگ بر امریکا" و در پشت صحنه مخالفان واقعی سلطه گری امریکا را بگیرند و شکنجه و تجاوز کرده و بکشند و سر به نیست کنند! و البته این کُشت و کُشتار میسر نمی گردید و نمی گردد مگر با کمک ضدکارگرهایی چون فرخ نگهدارها که با قرار گرفتن زیر پرچم پرافتخار چریکهای فدائی خلق در سازمان ضدکارگر اکثریت منفور و خائن استفاده می کرد و می کند که به کارگران رهنمود "ساعات کار بیشتر برای تودهنی زدن به امپریالیسم امریکا" را می داد تا به این وسیله شعار مردم فریب "مرگ بر امریکا" ی خمینی جلاد را نیز حمایت کند! شعار "مرگ بر امریکا" ئی که "میر حسین موسوی" چنین از آن تعریف می کند:

(نقش و اهمیت کارکرد شعار «مرگ بر امریکا» برای جمهوری اسلامی از زبان میرحسین موسوی نخست‌وزیر خمینی در

شهریور سال ۶۷

وی پس از آتش‌بس جنگ ایران و عراق و پس از قتل‌عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ هشدار می‌داد که: «در شرایط جدید و بعد از جنگ باید بسیار دقت کنیم. اهداف و شعارهای انقلاب نباید تغییر کند». زیرا «شعار مرگ بر امریکا... مهمترین ابزار برای مقابله با گروه‌های کمونیستی، مائونیستی و منافقین بود و شعار مرگ بر امریکا بیش از دستگاه‌های اطلاعاتی در از بین بردن این گروه‌ها نقش داشته است» (جمهوری اسلامی - ۱۲ شهریور ۶۷).

منبع: <http://www.degaruny.com/typo3/index.php?id=۱۷&t=۹۷۶>

آری! با شعار مردم فریب " مرگ بر امریکا" میرحسین موسوی و سایر جنایتکاران رژیم "الهی" چنان خوش خدمتی به منافع امریکای خون آشام، یعنی کشتار گروه‌های کمونیستی، مائونیستی و مجاهدین می‌کند که امپریالیستها به ویژه امپریالیسم خون آشام امریکا منافعش را تضمین شده می‌یابد! در اصل با کشتار ضدامپریالیستها دیگر چه کسی باقی مانده بود که با غارتگری دسترنج کارگران و محرومان مخالفت کند؟ و امپریالیسم خون آشام امریکا چه چیز بهتری از این "شعار مردم فریب" می‌خواست که گردن مخالفان واقعی سلطه‌گری و غارتگری امریکا را زده بود، یعنی دلسوزان واقعی کارگران و محرومان، امریکا دیگر لازم نبود که "هزینه" نظامی برای این نوکران متحمل شود تا منافع آنرا پاسداری کنند، آنها طبق "فرامین الهی" با فرمول " ما برخی را برتر از برخی قرار دادیم" منافع طبقه غارتگر را پاسداری می‌کردند. این رژیم اگر یک لحظه فراموش کنیم که "الهی" بود، اگر به راستی "ضد امریکا"ئی بود آیا کارگران، و ستارگان راه‌رهای از سلطه امریکا و سایر قلدران دنیا را می‌گشت؟ آیا انقلابیون واقعی که علیه ستم و بیداد شاه ظالم نوکر امپریالیسم به پا خاسته بودند را می‌گشت؟ که امروز برای "آب توبه" ریختن بر سر یکی از قصاب‌های رژیم یعنی میرحسین موسوی کلیبی هم می‌سازند و اسم "کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت" را هم "گفت و گوهای مهم در باره فاجعه ملی ۶۷" می‌گذارند، و نمایندۀ "امام جلاد"، باقر بختیار را هم مأمور سخن گفتن در باره قتل‌عام زندانیان سیاسی می‌کنند تا "کی بود کی بود ما نبودیم" راه بیندازند تا دستان میرحسین موسوی قصاب کمونیستها و سایر نیروهای مبارز ضدامپریالیست را به خیال ابلهانه خود پاک کند! جنبش سبز علوی و طرفدارانش به هر دری می‌زنند تا مسیر سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم را منحرف ساخته و زمان برای بقای رژیم آدم‌گش اسلامی وابسته به امپریالیسم بخرند. زیرا به خوبی می‌دانند که چه سرنوشتی در انتظار آنها و سایر جناح‌های جنایتکار رژیم می‌باشد.

دو: اسلام مانند هر دین دیگری به دلیل ذات و ماهیت طبقاتی‌اش یکی از مقبول‌ترین رژیم‌ها برای امپریالیستها به ویژه امپریالیسم امریکا می‌تواند باشد که خود آن یعنی اسلام، سابقه تاریخی و رسالتی ریشه‌ای در کشتار کارگران و محرومان و حق‌طلبان داشته‌است. نمونه بارز آن هم علی‌امام اول مسلمان شیعه می‌باشد که در جنگ نهروان ۱۰۰۰ سر از تن "خوارج" را جدا می‌کند و بعد هم توسط ظالمان "پدر یتیمان" لقب می‌گرفته، پدر یتیمانی که زنان آن هزار خوارجی را که گردن زده بود به "تصرف" خود و پیروانش در می‌آورده و "پدر" آن بچه‌هایی که با شمشیرش یتیمشان کرده می‌شد. اما این "خوارج" چه کسانی بودند؟ طبق گفته عباس مظاهری که با یک دیدگاه سوسیالیستی به برخی از سوره‌های قرآن پرداخته‌است (لینک آنرا در زیر این نوشته قرار می‌دهم و توصیه می‌شود که جوانان حتماً به این نوار صوتی گوش کنند) خوارج یک جنبش دهقانی بوده که در آنزمان به دلیل وضعیت

سخت معیشتی و ظلمی که به آنان وارد می شده برای حق خود مبارزه می کردند و علی آنان را بناء به "فرامین الهی" که به محمد "وحی" شده را گردن زده است، برای اینکه آنان در برابر آنچه "خدادادی" بوده نافرمانی می کردند پس کافر و مُشرک و محارب بوده و ریختن خونشان واجب کفائی بوده و "است"!

"فراخوان سراسری" ایرانیان "به مناسبت روز کارگر" نه تنها روزکارگر را سرقت می کند، و آنرا به جنبش سبز علوی نسبت "پیوند" می دهد بلکه با اینکار می خواهد شعار "عدالت اجتماعی" را سوار مبارزات کارگران کند و میرحسین موسوی این قصاب کارگران و مدافعان دلسوز حقوق کارگران و محرومان را سوار مبارزات کارگران گرداند تا باز هم مبارزات به حق کارگران را که از ظلم و ستم و نابرابری "خدادادی" به تنگ آمده اند به عقب براند. و برای آنکه فریبکاری خود را به پیش برند بسیاری از مطالبات کارگران را در "فراخوان مشترک" خود گنجانیده اند و از واژه "ایرانیان" هم استفاده کرده اند تا فریبکاری خود را محکم تر کنند، که اگر اینان به راستی مدافع کارگران بودند به جای استفاده از واژه ایرانیان از واژه "برخی از ایرانیان" استفاده می کردند! به راستی اینهمه وقاحت، اینهمه دروغ و ریاکاری را با چه **صفتی** می توان تعریف کرد؟

اما کارگران و تمام کسانی که علیه ظلم و نابرابری "خدادادی" (طبقه دزد دروغگو و حقه باز استعمارگر) مبارزه می کنند به خوبی می دانند که "استقرار عدالت اجتماعی" میرحسین موسوی چیزی جز همان گردن زدن معترضان و مخالفان نابرابری طبقاتی نیست! و اینبار هم باز "مبلغان" جنبش سبز علوی با اینکار ماهیت ریاکارانه میرحسین موسوی جنایتکار و دارو دست‌آورد را به نمایش گذاردند! و جالب اینکه این فراخوان به زبان انگلیسی هم ترجمه شده تا بتوانند سازمانها و احزابی مانند حزب توده منفور و سازمان اکثریت منفورتر را به دور خود جمع کنند! البته فراموش نکنیم که چند سال پیش بود که رضا پهلوی این دزد و غارتگر دسترنج کارگران ایران که زندگی انگلی خود و هزار فامیلش را از آن می گذراند نیز "دلسوز" کارگران ایران شده بود، و این انگل فسیل فکر گمان برده بود که تاریخ خوردن حق خدمتکار را که کارش را به دادگاه کشانده بود فراموش می کند، که حتی حق او را هم بالا کشیده بود!

از آنجائی که در "فراخوان سراسری ایرانیان به مناسبت روز کارگر"، از عدالت اجتماعی که "سی و دو سال" است برقرار نگردیده سخن رفته بود، و میرحسین موسوی رهبر جنبش سبز علوی نیز "شعاردهنده" "استقرار عدالت اجتماعی" زیر چتر حکومت اسلام ناب محمدی ست، شاید بد نباشد که قسمتی از سخنرانی عباس مظاهری که در سال ۲۰۰۶ در اتاق سوسیالیستها در پالتاک ضبط شده، عینا برایتان در زیر بنگارم. بخوانید تا به مفهوم واقعی "عدالت اجتماعی اسلامی" در "حکومت عدل علی" و پیامبرش محمد "راستین"، که صفت برانزده تر از اینهم برای او پیدا نمی شود، پی ببرید، لینک این سخنرانی که به نظر این قلم برای جوانانی که می خواهند اصولی و از یک دیدگاه علمی به قرآن و جایگاه طبقاتی قرآن بپردازند تا بیشتر به ماهیت ضدکارگری رژیم اسلامی و تمام جناح های آن پی ببرند را قرار میدهم. با امید هر چه منسجم تر شدن تشکلهای کارگری در جهت سازماندهی شدن برای سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی با تمام جناح ها و دسته های دزد و جنایتکار آن!

صبا راهی دهم اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۰

بخشی از سخنرانی عباس مظاهری که آنرا برای آگاهی شما خواننده محترم از روی فایل صوتی سخنرانی ایشان نگاشته ام:

(...در تاریخ اسلام وقتی که حضرت محمد، در جنگی که با مکیان داشت و پیروز شد و مکه را فتح کرد، حتی اقدام به آزادی بردگان نکرد، حتی نگفت که برده ها باید آزاد شوند، برایش کافی بود که اشراف قریش اشراف مکه اسلام بیارن، ولی هیچ سخنی از آزادی برده ها نبود، البته در بعضی از آیات میبومد که باید با برده ها رفتار بهتری داشته

باشید، یک نوع به اصطلاح برده داری پدرسالارانه، ولی اصل برده داری همچنان محفوظ ماند، نه تنها اصل برده داری کلاً اختلاف طبقاتی در قرآن به صورت یک سرنوشت محتوم خدادادی قلمداد شده، یعنی خدا در قرآن می‌گه که: "ما بعضی از شما را بر بعضی از شما برتر قرار دادیم، و این تصمیم ما بوده و شما حق ندارید نسبت بهش احساس حسادت بکنید یا علیه اش اقدامی بکنید در نتیجه مبارزه طبقاتی کاملاً در قرآن نفی میشه، و اینکه طبقات چیزیه که در منطق قرآن در واقع وجود داره، حتمیت داره، و خدا خواسته این وضعیو، و این خواست خدا بوده و در نتیجه ما هیچ حقی نداریم که علیه این طبقات بجنگیم، با این طبقات مبارزه بکنیم، با سیستم طبقاتی، و جهاد اصلا به این معنا نیست، در حالیکه در اون زمان خیلی از ما از جمله مثلاً مجاهدین حتی بعداً فریب این آیات رو می خوردند، و این آیات رو در واقع در این جهت می فهمیدند و می خواستند بفهمند که جهاد برای مبارزه طبقاتی هست، و حتی مجاهدین و خیلی از مذهبی های آنزمان و خیلی ها فکر میکردند که اسلام خواستار جامعه بی طبقه است، اسلام می خواد طبقات رو از بین ببره، اسلام همه رو برابر میدونه، بله در اون زمانی هم که مکه فتح شد، پیغمبر گفت سید قریشی یعنی اشراف قریش با بلال حبشی که سمبل برده بود و خودش هم یک برده بود، اینها برابرند، ولی برابر از نظر چی؟ برابر از این نظر نیستند که اون برده آزاده، اون برده همچنان برده است ولی در برابر خدا برابره، یعنی اگه یک زمانی کشته بشن و یا بمیرن و برن اون دنیا بله در اون دنیا اینها برابرند ولی این مفهوم دنیوی نداشتش، در این دنیا این برده بود و اون برده دار، تفاوتی این آیت برایشون به وجود نمی آورد، برده ها نمیتونستن به موجب اون خواستار آزادی خودشون بشن، اصلاً این مفهومی نداشت، آزادی برده ها، برده ها باید برده می موندند، و آیات بسیاری در قرآن هستش که رفتار شوهرها با زنهای خودشون، چون مردها حق داشتند تعداد زیادی کنیز داشته باشن و مرزی نداشتش؛ بستگی به امکان مالیش بود، و رفتاری که حتی در بستر با زن می شد یا با کنیز، تفاوت فاحشی داشت، من نمی خوام وارد جزئیاتش بشم، خلاف عفت عمومی، در خیلی از کتابها این چیزهای نوشته شده که واقعا بیانش حتی باعث شرمساریست، به هر حال، جهاد و کلمه جهاد به این مفهوم در واقع یک فریب بزرگ بود و از نظر طبقاتی در واقع هیچ ارتباطی به مو طبقات نداشت بلکه ارتباط داشت به درگیری با دگراندیشان، جهاد به مفهوم در واقع اگر درست بخوایم ترجمه کنیم به مفهوم جنگ با دگراندیشان بود، در قرآن ۱۱۴ سوره وجود داره، این ۱۱۴ سوره ۱۱۳ تای اونها همیشه با بسم اله الرحمن الرحیم شروع میشه، یعنی به نام خدای بخشنده و مهربان و فلان، تنها یک سوره یعنی سوره توبه بدون این بسم الله شروع میشه یعنی اونجا خداوند دیگه هیچ مهربانیشو نمیخواد نشون بده، اون در واقع سوره ئی هستش که خدا به مشرکین و کفار یعنی به مفهوم دیگه دگر اندیشان، در واقع اعلان جنگ داده، و در اونجا اعلام میکنه که وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً، مشرکین رو بکشین، حتی یه جائی می‌گه که پناه بگیرین مخفی بشین وقتی که مشرکین و کفار میان رد میشن، بهشون حمله کنین اونارو بگیرین بکشین، کشتار مشرکین کشتار دگراندیشان در واقع هدفیه که برای جهاد مشخص شده، جهاد برای نابودی دگر اندیشانه، نه برای استقرار عدالت اجتماعی!

لینک "فراخوان سراسری ایرانیان به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر"

<http://www.peykeiran.com/Content.aspx?ID=۳۱۰۹۸>

لینک سخنرانی عباس مظاهری تحت عنوان:

نقد و بررسی آیات "جهاد" قرآن از دیدگاه سوسیالیستی بخش ۱